

نگاهی به فیلم‌های سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر از منظر سوژه، ژانر، داستان‌گویی و قهرمان‌محوری

کلیشه‌های ضدگیشه

فیلم فجر تعبیر درستی نمی‌تواند باشد. برای دانش‌تن برابندی کلی از سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر؛ سوژه، ژانر، داستان‌گویی، قهرمان‌پردازی و اشارات فیلم‌ها به مسائل سیاسی و اجتماعی را بررسی کرده‌ایم.

با نگاهی به جدول زیر در می‌یابیم هنوز درام‌های اجتماعی با شخصیت‌هایی منفعل و بدون قهرمان، محصولات اصلی سینمای ایران هستند؛ سیمایی که در این سال‌ها به اجتماعی موسوم شده و به‌رغم شکست‌های متعدد در گیشه به حیات خود ادامه می‌دهد، با سرمایه‌هایی یادآورده و چرخه اقتصادی غیرشفاف، در این میان البته فیلم‌هایی هم بودند که قصه‌گو و قهرمان‌پرداز باشند؛ فیلم‌هایی در ژانر جاسوسی و امنیتی. فیلم‌هایی در ژانر وحشت و ماورایی هم داشتیم و البته ۲ فیلم در فضای کم‌دی، خلاصه جشنواره سی‌وهشتم را در جدول زیر ببینید.

درست از آب درآمد. وضعیت فروش فیلم‌های جشنواره سی‌وهفتم فجر که از آغاز سال ۹۸ اکران شده‌اند، گویای یک شکست قطعی در گیشه برای این فیلم‌هاست. از میان ۱۰ فیلم پر فروش سال ۹۸ تا این لحظه، تنها ۳ فیلم از جشنواره فجر ۳۷ حضور دارند: «متری شیش و نیم» با فروش نزدیک به ۲۸ میلیارد، «شب‌ی که ماه کامل شد» با فروش ۱۹ میلیاردی و «سرخ‌پوست» با فروش ۱۵ میلیاردی به ترتیب در جدول فروش سال ۹۸ در میان ۱۰ فیلم اول هستند. بر اساس آنچه از جدول فروش می‌توان دریافت، باقی فیلم‌های جشنواره نه‌تنها با شکست قطعی در گیشه مواجه شده‌اند، بلکه در فروش به درصد قابل قبولی از هزینه تولید هم نزدیک نشده‌اند. این فیلم‌ها کم هم نیستند؛ فیلم‌هایی که یا به اعتبار و بودجه فزاینده و وام‌هایش یا با سرمایه‌گذاری‌های شخصی/ نهادی تولید شده‌اند. به همین دلیل است که تعبیر «ویرترین سینمای ایران» برای جشنواره

پس از پایان سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر و اعلام برگزیدگان بخش‌های مختلف، هنوز جشنواره از سر و صدا نیفتاده است. حرف و حدیث‌ها پیرامون انتخاب‌ها و واکنش‌هایی که پیرامون شب اختتامیه در فضای رسانه‌ای صورت گرفته است، موجب غفلت از یک مسأله اساسی شده و آن توجه به برابری کلی جشنواره سی و هشتم است. عمده فیلم‌های حاضر در این دوره چه ویژگی‌هایی داشته‌اند، در کدام ژانر تولید شده‌اند، به چه مضامینی پرداخته‌اند و آیا می‌توانند در گیشه به فروش مناسبی دست پیدا کنند؟! اینها سوالاتی مهم درباره فیلم‌های این دوره است که معمولاً در ادبیات رسمی از آنها به ویرترین سینمای ایران تعبیر می‌شود. اما آیا این تعبیر، تعبیر صادقانه‌ای است؟

سال گذشته این پیش‌بینی وجود داشت که نزدیک به ۸۰ درصد فیلم‌های حاضر در جشنواره در گیشه شکست می‌خورند؛ پیش‌بینی‌ای که



نام فیلم	سوژه محوری	ژانر	داستان گویی	قهرمان پردازی	ارتباط با مسائل سیاسی و اجتماعی
سه کام حبس	اعتیاد	درام اجتماعی	«سه کام حبس» با تشدید غیر منطقی موقعیت‌های تلخ، بنا دارد شخصیت زن اصلی را در ورطه بلایای مکرر قرار دهد. در این مسیر که قصه‌های فرعی بر قصه اصلی غلبه می‌کند و باعث می‌شود داستان با کندی پیش رود.	می‌توانست یک سفر قهرمان متوسط در فرم «عاده‌حیثیت» باشد که به دلیل عدم شخصیت‌پردازی درست در قهرمان و قصه شکست می‌خورد.	اشاره به فساد و اختلاس در مؤسسات مالی و اعتباری از نکات مهم فیلم است.
سپیده گاو سفید	قصصی	درام اجتماعی	در فیلم کلیشه سفرش «قصای» دستمایه مقاله یک چالش اخلاقی با قانون رسمی قرار می‌گیرد. قانون خشک و رسمی و غیرقابل تعطف در مقابل زنی معترف و احساساتی قرار می‌گیرد که بر احنی هم دل از دست می‌دهد. موقعیت‌ها پشت هم قرار می‌گیرند و قصه پیش نمی‌رود.	نمایشی از یک جوان که اتفاقاتش به عنوان نقطه قوت شناخته می‌شود و ضدقهرمان است.	فیلم با انتخاب نام کشتارگاه و پرداختن به موضوع نوسانات ارز تلاش کرده جنبه نمادینی از جامعه ایران باشد.
علم‌پسند	زن	درام اجتماعی	در «علم‌پسند» با یک زن مواجهیم که بعد از ۲۸ سالهای ۲۸ سالگی در خانه همسر، خیر ندیده و تصمیم به «خروج» می‌گیرد. او هم اما منفعل و احساساتی، غیرمنطقی و کم‌عقل است و شکست می‌خورد.	در روندهای معمولی برای تعریف کردن داستان، شخصیت‌های اصلی باید میزان حضور و تأثیر بیشتری در فیلم داشته باشند اما اینگونه نیست.	مهاجرت دستمایه تعریف و تخریب دین قرار می‌گیرد. جنبه نمادین ایرانی نیز دارد.
آبادان یازده	مقاومت	درام اجتماعی	فیلم «آبادان یازده» با یک زن مواجهیم که بعد از ۲۸ سالهای ۲۸ سالگی در خانه همسر، خیر ندیده و تصمیم به «خروج» می‌گیرد. او هم اما منفعل و احساساتی، غیرمنطقی و کم‌عقل است و شکست می‌خورد.	مهم‌ترین مسأله لباس شخصی در داستان گویی، نقطه محرک ضعیف و عدم ایجاد انگیزش کافی برای قهرمان است. دلیل قهرمان برای روم شدن روی کیس توده عینی نمی‌شود. فارغ از این نقطه ضعف، داستان در ادامه با زنجیره علت‌ها بخوبی پیش می‌رود و به سر انجام می‌رسد.	فیلم به ماجرای کشف جاسوسی ناخدا افشلی فرامنده نیروی دریاپی از نشت برای شوری می‌پردازد.
روز بلوا	مفساد اقتصادی	درام اجتماعی	فیلم «روز بلوا» تا پیش از یک سوم باپانی قابل تحمل است اما بعدش فقط با انقادات بی‌دری مواجهیم که هیچ کمکی به پیشرفت داستان نمی‌کند.	فیلم به جز معدود سکانس‌هایی که دلیل بودنشان را نمی‌فهمیم، از رتم خوبی برخوردار است. تعلیق مناسب تا رسیدن به چرخان برای شخصیت اصلی که پس از دیدار با مشاورین جیسور و کمی دیرهنگام اتفاق می‌افتد، سوال‌برانگیز است.	در پایان فیلم درباره واقعی بودن داستان تاکید می‌شود. حاشی که در نشست خبری بر این موضوع و تحقیقات میدانی تاکید می‌کند.
خوب، بد، جلف ۲	جاسوسی	کمدی	ژانر کمدی در سینمای ایران کمتر نواخته شده گویی خوبی هم باشد. «خوب، بد، جلف» نیز قصه‌دار از پرت و پلاهایی مانند مطرب است.	فیلم می‌تواند هم قصه‌گو باشد و هم درامی تأثیرگذار. اما افراط بر فضا سازی و نمایش آن روند قصه‌گویی را مختل می‌کند.	«آبادان یازده» به عنوان نقطه قوت شناخته می‌شود و ضدقهرمان است.
کشتارگاه	نوسانات ارز	درام اجتماعی	اشاره‌ها و کنایه‌های سیاسی آق‌قدر برای مرد در آب مطهر مهم است که تقریباً مطلق طرح قصه استناد است. فیلم به همین دلیل چندپاره می‌شود و دلایل کات خوردن بعضی سکانس‌ها به برخی دیگر مشخص نیست.	مهم‌ترین مسأله لباس شخصی در داستان گویی، نقطه محرک ضعیف و عدم ایجاد انگیزش کافی برای قهرمان است. دلیل قهرمان برای روم شدن روی کیس توده عینی نمی‌شود. فارغ از این نقطه ضعف، داستان در ادامه با زنجیره علت‌ها بخوبی پیش می‌رود و به سر انجام می‌رسد.	فیلم با انتخاب نام کشتارگاه و پرداختن به موضوع نوسانات ارز تلاش کرده جنبه نمادینی از جامعه ایران باشد.
مردن در آب مطهر	مهاجرت	درام اجتماعی	اشاره‌ها و کنایه‌های سیاسی آق‌قدر برای مرد در آب مطهر مهم است که تقریباً مطلق طرح قصه استناد است. فیلم به همین دلیل چندپاره می‌شود و دلایل کات خوردن بعضی سکانس‌ها به برخی دیگر مشخص نیست.	فیلم به جز معدود سکانس‌هایی که دلیل بودنشان را نمی‌فهمیم، از رتم خوبی برخوردار است. تعلیق مناسب تا رسیدن به چرخان برای شخصیت اصلی که پس از دیدار با مشاورین جیسور و کمی دیرهنگام اتفاق می‌افتد، سوال‌برانگیز است.	مهاجرت دستمایه تعریف و تخریب دین قرار می‌گیرد. جنبه نمادین ایرانی نیز دارد.
لباس شخصی	نفوذ	جاسوسی	مهم‌ترین مسأله لباس شخصی در داستان گویی، نقطه محرک ضعیف و عدم ایجاد انگیزش کافی برای قهرمان است. دلیل قهرمان برای روم شدن روی کیس توده عینی نمی‌شود. فارغ از این نقطه ضعف، داستان در ادامه با زنجیره علت‌ها بخوبی پیش می‌رود و به سر انجام می‌رسد.	فیلم به جز معدود سکانس‌هایی که دلیل بودنشان را نمی‌فهمیم، از رتم خوبی برخوردار است. تعلیق مناسب تا رسیدن به چرخان برای شخصیت اصلی که پس از دیدار با مشاورین جیسور و کمی دیرهنگام اتفاق می‌افتد، سوال‌برانگیز است.	فیلم به ماجرای کشف جاسوسی ناخدا افشلی فرامنده نیروی دریاپی از نشت برای شوری می‌پردازد.
خروج	اعتراض	جاده‌ای	فیلم به جز معدود سکانس‌هایی که دلیل بودنشان را نمی‌فهمیم، از رتم خوبی برخوردار است. تعلیق مناسب تا رسیدن به چرخان برای شخصیت اصلی که پس از دیدار با مشاورین جیسور و کمی دیرهنگام اتفاق می‌افتد، سوال‌برانگیز است.	«رحمت بخشی» در خروج همه مؤلفه‌های یک قهرمان آمیل را دارد. در فریبان بخوبی نقش یک قهرمان / پیرمرد را در ۷۸ سالگی ایفا کرده است.	در پایان فیلم درباره واقعی بودن داستان تاکید می‌شود. حاشی که در نشست خبری بر این موضوع و تحقیقات میدانی تاکید می‌کند.
آتابای	عشق	درام تراژیک	از اعترافات ذهن مشوش آتابای، قصه در نمی‌آید داستان زنده شدن یک عشق قدیمی را هر طور دیگری می‌شد تعریف کرد که کشش بیشتری داشته باشد و از رتم یقین، ولی آتابای شبیه کارهای حوصله سرب‌نوری بیگانه چیلان، کارگردان ترک شده است.	فیلم به جز معدود سکانس‌هایی که دلیل بودنشان را نمی‌فهمیم، از رتم خوبی برخوردار است. تعلیق مناسب تا رسیدن به چرخان برای شخصیت اصلی که پس از دیدار با مشاورین جیسور و کمی دیرهنگام اتفاق می‌افتد، سوال‌برانگیز است.	آتابای هم مثل دیگر ملودرام‌های نهمه و نیمه به جای شخصیت‌هایی منفعل است. گویی کیمیایی یک قرارداد برای ججاری فر سخت است چون نقش‌هایی از این جنس واقعا به نومی آیند.
رست (تعارض)	واقعیت و توهم	درام روانشناختی	کلیشه‌ای، ضعیف و تکراری که باز موضوع قصاص را دستمایه یکی از درست‌ترین فیلمنامه‌های جشنواره که همه چیز بر اساس الگوی منطقی پیش می‌رود.	عمل قهرمانانه در «من می‌ترسم» غیر اخلاقی است. در واقع روند تحول شخصیت اصلی و مسخ آن برای رسیدن به یک ضدقهرمان را بخوبی می‌بینیم.	فیلم اشاره روشنی به تأثیرات مغرب‌شیکه‌های اجتماعی شده است. مهاجرت نیز به امری پسندیده تبدیل می‌شود.
پدران	قصصی	درام اجتماعی	کلیشه‌ای، ضعیف و تکراری که باز موضوع قصاص را دستمایه یکی از درست‌ترین فیلمنامه‌های جشنواره که همه چیز بر اساس الگوی منطقی پیش می‌رود.	داستان در فضای شهنواز «خون‌شده» طبق الگوی ژانر پیش می‌رود اما کارگردانی بد فیلم باعث می‌شود قصه به ضد خودش تبدیل شود. آق‌قدر که گاهی حس می‌کنیم فیلمی در ژانر کمدی می‌بینیم.	فیلم اشاره روشنی به تأثیرات مغرب‌شیکه‌های اجتماعی شده است. مهاجرت نیز به امری پسندیده تبدیل می‌شود.
ممن می‌ترسم	انتقام	درام اجتماعی	داستان در فضای شهنواز «خون‌شده» طبق الگوی ژانر پیش می‌رود اما کارگردانی بد فیلم باعث می‌شود قصه به ضد خودش تبدیل شود. آق‌قدر که گاهی حس می‌کنیم فیلمی در ژانر کمدی می‌بینیم.	شد قصه و غیر قابل بحث	تلاش بر این است که برای داستان گویی در ژانری بومی که مشابهی را به یاد نمی‌آوریم ستودنی است. با اینکه فیلم در فضایی نیمه داستانی و نیمه مستند به نظر می‌رسد اما به هیچ‌وجه خسته‌کننده نیست.
خون‌شده	انتقام	درام تراژیک	داستان در فضای شهنواز «خون‌شده» طبق الگوی ژانر پیش می‌رود اما کارگردانی بد فیلم باعث می‌شود قصه به ضد خودش تبدیل شود. آق‌قدر که گاهی حس می‌کنیم فیلمی در ژانر کمدی می‌بینیم.	تلاش بر این است که برای داستان گویی در ژانری بومی که مشابهی را به یاد نمی‌آوریم ستودنی است. با اینکه فیلم در فضایی نیمه داستانی و نیمه مستند به نظر می‌رسد اما به هیچ‌وجه خسته‌کننده نیست.	اگر انتظار سینمایی معنای داستانی‌اش را داشته باشیم باید درباره انفعال قهرمان سوال کنیم اما چون اجازه نخیل نداریم و با واقعیت تطبیق باید یک کاراکتر معمولی که هیچ کار خاصی انجام نمی‌دهد را به عنوان قهرمان بپذیریم.
دشمنان	زن	ملودرام	شد قصه و غیر قابل بحث	تلاش بر این است که برای داستان گویی در ژانری بومی که مشابهی را به یاد نمی‌آوریم ستودنی است. با اینکه فیلم در فضایی نیمه داستانی و نیمه مستند به نظر می‌رسد اما به هیچ‌وجه خسته‌کننده نیست.	جواد عزتی را با همان میمیک صورت و تقریباً همان وضعیت که در فیلم‌های قبلی داشته در قالب قهرمان می‌بینیم، البته در «دوست‌بست» فراتر از یک تپ تمپ نمی‌رود.
پوست الفسافه و واقعیت	راز آلود	راز آلود	تلاش بر این است که برای داستان گویی در ژانری بومی که مشابهی را به یاد نمی‌آوریم ستودنی است. با اینکه فیلم در فضایی نیمه داستانی و نیمه مستند به نظر می‌رسد اما به هیچ‌وجه خسته‌کننده نیست.	فیلم داستان سینما در سال‌های آغازین پس از انقلاب و روندهای آن سال‌ها طی کرده است را بررسی کرده و با استفاده از فضای کمدی سعی کرده به خط قرمزها نیز نزدیک شود. شاید به دلیل همین نزدیکی به خط قرمزهاست که رتم قابل قبولی دارد.	جواد عزتی را با همان میمیک صورت و تقریباً همان وضعیت که در فیلم‌های قبلی داشته در قالب قهرمان می‌بینیم، البته در «دوست‌بست» فراتر از یک تپ تمپ نمی‌رود.
سینما شهرقصه	سینما	کمدی	فیلم داستان سینما در سال‌های آغازین پس از انقلاب و روندهای آن سال‌ها طی کرده است را بررسی کرده و با استفاده از فضای کمدی سعی کرده به خط قرمزها نیز نزدیک شود. شاید به دلیل همین نزدیکی به خط قرمزهاست که رتم قابل قبولی دارد.	جواد عزتی را با همان میمیک صورت و تقریباً همان وضعیت که در فیلم‌های قبلی داشته در قالب قهرمان می‌بینیم، البته در «دوست‌بست» فراتر از یک تپ تمپ نمی‌رود.	جواد عزتی را با همان میمیک صورت و تقریباً همان وضعیت که در فیلم‌های قبلی داشته در قالب قهرمان می‌بینیم، البته در «دوست‌بست» فراتر از یک تپ تمپ نمی‌رود.
کودکان کار	درام اجتماعی	درام اجتماعی	جفت و بست داستانی مناسبی ندارد. پرانگیزی قصه‌های فرعی و به پایان نرسیدنشان (که به خط سیر اصلی داستان کمکی نمی‌کنند)، معلق بودن شخصیت‌ها و بی‌جبری از عقابتنشان و پایان‌بندی یابین‌تر از حد انتظار «خون‌شده» همه دست‌پاچه‌ست هم داده تا فیلم مجددی هم فیلم متوسطی باشد.	تلاش بر این است که برای داستان گویی در ژانری بومی که مشابهی را به یاد نمی‌آوریم ستودنی است. با اینکه فیلم در فضایی نیمه داستانی و نیمه مستند به نظر می‌رسد اما به هیچ‌وجه خسته‌کننده نیست.	به جای داشتن قهرمان به درد بخوری که سرش به تنش بیازد تا یک سر و گردن از آدم‌های دور و برش بالاتر باشد، با آدم‌هایی منفعل و خشنی مواجهیم که تکرار بیش از حدشان گزنده و آزادنده شده است.
خورشید	کودکان کار	درام اجتماعی	جفت و بست داستانی مناسبی ندارد. پرانگیزی قصه‌های فرعی و به پایان نرسیدنشان (که به خط سیر اصلی داستان کمکی نمی‌کنند)، معلق بودن شخصیت‌ها و بی‌جبری از عقابتنشان و پایان‌بندی یابین‌تر از حد انتظار «خون‌شده» همه دست‌پاچه‌ست هم داده تا فیلم مجددی هم فیلم متوسطی باشد.	تلاش بر این است که برای داستان گویی در ژانری بومی که مشابهی را به یاد نمی‌آوریم ستودنی است. با اینکه فیلم در فضایی نیمه داستانی و نیمه مستند به نظر می‌رسد اما به هیچ‌وجه خسته‌کننده نیست.	تلاش بر این است که برای داستان گویی در ژانری بومی که مشابهی را به یاد نمی‌آوریم ستودنی است. با اینکه فیلم در فضایی نیمه داستانی و نیمه مستند به نظر می‌رسد اما به هیچ‌وجه خسته‌کننده نیست.